

مردم نگاری آموزش

چند مطالعه مردم نگارانه در زمینه آموزش و پرورش امروز ایران

نعمت اله فاضلی

عضویت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



شعر

تهران - ۱۳۹۰

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآورنده
موضوعات نشر
مشخصات ظاهری:
شابک
رده بنویسنده
رده بنویسنده
شماره کتابشناسی ملی

فاضلی، نعمت‌الله
مردم‌نگاری آموزش: چند مطالعه مردم‌نگارانه در زمینه آموزش
و پرورش امروز ایران / نویسنده نعمت‌الله فاضلی.
تهران: علم، ۱۳۹۰.
۲۰۳ ص.
۳۰۷-۵-۲۲۴-۹۶۴-۹۷۸
۱۳۹۰ م/ف/۱۳۵۱/۸۸
۲۷۰/۹۵۵
۲۴۱۵۲۷۸



نشر

مردم‌نگاری آموزش
چند مطالعه مردم‌نگارانه در زمینه آموزش و پرورش امروز ایران
نعمت‌الله فاضلی
چاپ اول، ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه
لیتوگرافی: باختر
چاپ: چاووشگران نقش

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری

بن‌بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۳۰۷-۵-۲۲۴-۹۶۴-۹۷۸

فهرست عناوین

۷.....	سپاسگزاری
۹.....	پیشگفتار
	فصل اول:
۱۷.....	رویکردی فرهنگی به آموزش: برنامه درسی و یادگیری
	فصل دوم:
۴۹.....	آموزش و پرورش و سیاست در ایران
	فصل سوم:
۶۳.....	دیدگاه و بحثی درباره آینده ی مدرسه در ایران
	فصل چهارم:
۱۰۷.....	معلمی از رویکرد فرهنگی
	فصل پنجم:
۱۳۹.....	چالش های فرهنگی فاوا در آموزش و پرورش
	فصل ششم:
۱۵۷.....	مردم نگاری رایانه در کلاس درس در ایران
	فصل هفتم:
۱۹۵.....	مردم نگاری تجارب دانش آموزی در مدرسه روستایی ایران
۲۹۵.....	منابع و مآخذ فارسی
۳۰۳.....	نمایه موضوعی
۳۰۴.....	نمایه اسمی

سپاسگزاری

بر عهده خود می دانم از همه کسانی که به اشکال مختلف در نگارش و پیدایش این کتاب نقش داشتند سپاسگزاری کنم. هیچ کتابی به واقع تنها به وسیله نویسنده آن خلق نمی شود، بلکه کتاب ها حاصل همکاری جمع زیادی از افراد و نهادها هستند که اغلب نام شان در هیچ کتابی ذکر نمی شود. اگر مدارس و دانشگاه هایی که در آنها تحصیل کردم نبودند، اگر ناشر و چاپخانه نبود، اگر عده زیادی از دوستانی که مرا به نوشتن و اندیشیدن درباره آموزش دعوت کردند نبودند، اگر دانشجویان عزیز در کلاس های درس، زمینه ای برای ارائه ایده هایم فراهم نمی کردند، و بسیاری نیروها و نهادهای دیگر اگر نبودند، هرگز قادر نبودم کتابی بنویسم؛ و هیچ نویسنده ای قادر به نوشتن و انتشار هیچ کتابی نبود. از اینرو، در ابتدای هر کتابی باید از همه کارگزاران مدارس، کارگران در چاپخانه ها، معلمان، استادان، دانشجویان و دوستان و خانواده نویسنده یاد کرد. من نیز چنین می کنم و سپاسگزار همه آنها هستم. بطور خاص مایلم از جناب آقای دکتر محمد عطاران، سردبیر محترم مجله مدرسه فردا، کارشناسان این مجله به ویژه خاتم محمدپور، و انجمن مطالعات برنامه درسی ایران به ویژه رییس اسبق آن جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی، بخاطر راهنمایی و تشویق های شان در نگارش مقالات متعدد این کتاب تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از انتشارات علمی و دست اندرکاران آن به خاطر انتشار این کتاب سپاسگزاری می کنم.

پیشگفتار

می خواهم کتابم را با بیان احساسم درباره آموزش و پرورش و مدرسه آغاز کنم. گمان می کنم بعد کافی، شاید هم بیش از حد، در مقالات و فصول مختلف این کتاب از استدلال و بحث نظری و چون و چرا کردن، سخن گفته ام. پس بهتر است از این سرآغاز یا پیشگفتار برای بیان احساسم یا درکم از مدرسه و چرایی نوشتن و سخن گفتن درباره آن شروع کنم. شاید از این راه شما را هم در خواندن این کتاب با خود همراه کردم. شاید شما هم بعد از خواندن این پیشگفتار یا کتاب، به این نتیجه رسیدید که قلم به دست گرفته و از تجربه های دوران مدرسه خودتان یا فرزندان تان بنویسید. یا به این فکر افتادید که مانند معلم جوان مدرسه جمال آباد کالو (مشهور به کوچکترین مدرسه دنیا)، برای آباد ساختن آبادی و میهن تان، از آباد کردن یک مدرسه آغاز کنید. شاید هم تصمیم گرفتید درباره مدرسه فیلمی بسازید، داستانی بنویسید و نقاشی بکشید. و به هر حال، اگر هیچ یک از اینها از عهده تان برنیامد، مانند من تصمیم بگیرید لااقل مقاله هایی بنویسید و در نهایت آنها را به صورت کتابی منتشر سازید. شاید از این راه کمکی هر چند کوچک برای نهاد مدرسه کرده باشید. شاید برای دست بکار شدن برای انجام چنین کاری، نیاز به دلیل و انگیزه داشته باشید. فکر می کنم برای هر کاری انگیزه ای لازم است. پس، از احساس و انگیزه ام برای انتشار این مجموعه مطالب برای تان حرف می زنم.

این کتاب درباره مدرسه، آموزش و پرورش و فرایندهای یادگیری و یاددهی است. تمام این امور، پاره هایی از زندگی روزمره ما انسان های قرن بیست و یکم می باشند. همه ما یا اکنون مدرسه می رویم، یا در مدرسه ای تدریس و خدمت می کنیم؛ یا فرزندان مان در مدرسه تحصیل می کنند. اگر هیچیک از اینها نباشد، مشغول دیدن فیلمی یا خواندن کتاب و داستانی هستیم که در آن مدرسه و دانش آموزان اگر موضوع اصلی آن نباشد. حتماً در آن جایی دارد. از اینرو، نه تنها سرنوشت جمعی و فردی ما، بلکه زندگی روزمره ما، بخواهیم یا نخواهیم با مدرسه درآمیخته است. خاطره و حافظه ما هم انباشته از خاطرات و حوادث مدرسه و دوران تحصیل است. هنوز معلم حساب دوران ابتدایی یا دبیر ریاضی دوران دبیرستان، در حافظه ما حضور دارند. اشعار و داستان های دوران ابتدایی، بخشی از خاطرات شیرین ما هستند. قصه بطروس یا دهقان فداکار یا شهید فهمیده، و برای نسل های قدیمی تر اشعار وطن، دوستانه عباس یسینی شریف، همه نشانه های هویت بخش نسلی هستند. نسل های مختلف جامعه معاصر ایران به کمک این نشانه های نسلی، خود را تعریف می کنند. همه ما روزگاری آموزگاری را صمیمانه دوست داشته ایم، و تصور خود از آینده و زندگی را بر اساس شخصیت آن آموزگار دوست داشتنی برای خود تجسم و تعریف کرده ایم. برای من، معلمانم الهام بخش بوده اند. هنوز روزهایی که آرزو می کردم روزگاری مانند آنها معلم شوم را بخاطر می آورم. کتاب های درس، مشق های مدرسه، باران دبستانی و دوستان دوران دبیرستان، هرگز از خاطر و خاطره ما پاک نمی شوند. از این طریق است که مدرسه مهرش را در دل ها و مهرش را بر هویت ها و هستی ما حک می کند. همین امر باعث می شود تا هنرمندان، اعم از رمان نویسان، نقاشان، فیلم سازان و کارگردانان تا شاعران و نویسندگان و تحلیل گران جامعه و فرهنگ، به

بازنمایی مدرسه در آثارشان بپردازند. و ما مردم نیز از خواندن، دیدن، شنیدن و تماشای آثار هنری مربوط به مدرسه لذت می‌بریم. سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، و داستان‌ها و رمان‌ها انباشته از خاطرات ما از دوران سرنوشت‌ساز مدرسه‌اند.

مدرسه چیزی نیست که فراموش شود؛ چیزی نیست که آن را دست کم گرفت؛ چیزی نیست که درباره آن سخن نگفت. سال‌ها پیش را بخاطر می‌آورم، آن وقتی که فیلم «خانه دوست کجاست» (ساخته کیا رستمی) را دیدم، آرزو کردم روزی من هم درباره مدرسه و دوران دانش‌آموزی‌ام، و درباره آموزش و پرورش کاری کنم. آن فیلم درباره یادگیری و یاددهی در دروان کهن و سنت و دوران امروز جامعه ماست. فیلم را که دیدم، برداشتم این بود که کیارستمی آن را ساخت تا دین خودش را به مدرسه ادا کند. آن روز آرزو کردم کاش من هم بتوانم روزی برای مدرسه کاری کنم. ما تحصیل‌کردگان همه از مدرسه راه خودمان را آغاز کرده‌ایم. همه به مدرسه بدهکاریم. دین ما به مدرسه زمانی بیشتر می‌شود که احساس کنیم نهاد مدرسه امروز بیمار است و به کمک نیاز دارد. نهاد مدرسه امروز باید معالجه شود. مشکلاتش را باید بشناسیم. و برای درمان آنها راه‌های مناسب ارائه کنیم. حتی اگر گمان کنیم مدرسه درگیر چالش و مشکلی نیست، باز باید برای بهبود و ارتقاء آن بکوشیم. مدرسه جایی است که نه تنها فردای جامعه و نسل‌های آینده در آن پرورش می‌یابند، بلکه سرنوشت تمام هنرها، علوم، ادبیات، و بطور کلی اندیشه بشر به عملکرد مدرسه بستگی دارد. نهاد مدرسه هر قدر قوی‌تر، اندیشه آدمی پربارتر و زندگی انسان سالم‌تر خواهد بود. از اینرو، مدرسه در هر حال و روزی که باشد، نیازمند توجه و مراقبت ماست. و البته هر کس فراخور توش و توانش می‌تواند

یاریگر نهاد مدرسه باشد. اهل ثروت و مکنث، به نوعی، اهل قدرت و سیاست هم به نوع دیگر. اما ما دانش آموختگان و اهل اندیشه نیز باید در این راه بکوشیم.

نهاد مدرسه را هر کس از ما می تواند متناسب با توانایی و تخصص و بیش و روش علمی اش کمک کند. من به عنوان انسان شناس و محقق مطالعات فرهنگی هم باید سهم و دین خودم را ادا می کردم. هر چند کاری که از عهده ام بر می آمد، ناچیز و شاید هم بی اثر باشد؛ اما ره بادیه رفتن به از نشستن باطل بود، و چنین بود که وقتی فرصتی پیش آمد تا درباره مدرسه و آموزش و پرورش سخنی بگویم، با اشتیاق آن را انجام می دادم. سرانجام، دیدم می توانم کتابی درباره مدرسه و آموزش و پرورش داشته باشم. خداوند را شکر کردم که این فرصت و امکان را برایم مهیا ساخت تا من هم دینم به مدرسه را تا حدی، هر قدر ناچیز ادا کنم.

کتاب حاضر مجموعه ای از مقالات درباره ابعاد فرهنگی آموزش و پرورش در ایران است. نگارنده متخصص مطالعات آموزش و پرورش نیست. ولی از آنجا که به مطالعات آموزش عالی علاقه مند بودم، دوستان و همکارانم در مطالعات آموزش و پرورش به ویژه آقای دکتر محمد عطاران و دکتر محمود مهر محمدی به مناسبت های مختلف در سال های اخیر از نگارنده می خواستند تا به نوعی در گفت و گوهای مربوط به مسائل آموزش و پرورش در ایران مشارکت کنم. بنده نیز با تشویق این همکاران گاه و بیگاه مطالبی در زمینه آموزش و پرورش می نوشتم. از اینرو، بخشی از این مقالات به مرور زمان طی چند سال اخیر در نتیجه گفتگوهای که «مجله رشد مدرسه فردا» با نگارنده داشته اند، شکل گرفته است. برخی دیگر از این مقالات حاصل گفت و گوها و سخنرانی های نگارنده در «انجمن مطالعات برنامه درسی ایران» می باشد. چیزی که این مقالات را انسجام و وحدت می بخشد علاوه بر موضوع آنها، یعنی آموزش و پرورش در ایران، رویکرد حاکم بر آنهاست.

این رویکرد را با واژه فرهنگ و فرهنگی بهتر از هر واژه دیگری می‌توان توضیح داد. عنوان کتاب را براساس چنین منطقی «فرهنگ و آموزش» انتخاب کرده‌ام. در این پیشگفتار تلاش می‌کنم تا به نحو اجمال رویکرد و روش و محتوای مقالات این مجموعه را توضیح دهم.

نگارنده از نظر حرفه‌ای در حوزه انسان‌شناسی^۱ و مطالعات فرهنگی^۲ آموزش دیده و تدریس می‌نماید. علایق فکری و راه و روش تحقیقاتی‌ام لاجرم در همین حوزه‌های دانشگاهی شکل گرفته‌اند. مهمترین ویژگی انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار دادن فرهنگ^۳ در کانون توجه این رشته‌هاست. انسان‌شناسان معمولاً فرهنگ را به مثابه «شیوه زندگی»^۴ و محققان مطالعات فرهنگی آن را عمدتاً به مثابه «نظام‌های دلالت و معنا»^۵ در نظر می‌گیرند.^۶ در این کتاب فرهنگ را به هر دو معنای مذکور مد نظر داشته‌ام. در دیدگاه کلاسیک انسان‌شناختی، کمتر وجوه متنی و زیبایی‌شناختی فرهنگ مورد تأکید است و بیشتر فرهنگ در جوامع و گروه‌های «کوچک مقیاس» مطالعه می‌شود.^۷ اما در مطالعات فرهنگی بیشتر ابعاد متنی و

^۱. anthropology

^۲. cultural studies

^۳. culture

^۴. signifying system

^۵. نگارنده در فصل دوم کتاب زیر تعاریف مختلف فرهنگ را مرور و بررسی کرده‌ام.

پیپلز، جیمز. بنی، جان و بایلی، بریک. ۱۳۹۰. انسان‌شناسی فرهنگی: جستارهایی درباره قلمرو نظری و عملی انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه و گردآوری نعمت‌الله فاضلی. تهران: نشر آراسته.

^۶ توماس هیلند اریکسن در کتاب زیر ضمن توجه به این ویژگی انسان‌شناسی، رویکرد انسان‌شناختی را ماهیتاً بررسی موضوعات بزرگ و عمومی بشر می‌داند نه شناخت جوامع کوچک مقیاس.

Hylland Eriksen, Thomas 2001. *Small Places, Large Issues: An Introduction to Social and Cultural Anthropology (Anthropology, Culture and Society)*. London: Pluto Press; 2nd Revised edition.

زیبایی شناختی و همچنین جوامع معاصر شهری بررسی می شوند. به رغم این تفاوت ها هر دو این رشته ها از روش مردم نگاری و رویکرد کیفی و تفسیری در شناخت فرهنگ کمک می گیرند. به علاوه این دو رویکرد در سال های اخیر بسیار به هم نزدیک شده اند.^۱ نگارنده تلاشش این بوده است تا از مفاهیم و رویکردهای مطالعات فرهنگی و انسان شناختی به طور همزمان و با نگاهی بین رشته ای کمک بگیریم. تقویاً تمام نوشته هایم با این رویکرد بین رشته ای بوده است. در این نگاه ترکیبی، «تجربه زیسته»^۲ محقق و رویکرد تفسیری و کیفی اساس همه چیز را تشکیل می دهد. در مقدمه فصل پایانی این کتاب به نحو مفصل تری درباره این رویکرد روش شناسانه توضیح داده ام. از اینرو، از تشریح جزئیات در اینجا صرف نظر می کنم. بسیاری از نوشته هایم مبتنی بر نوع خاصی از «خودمردم نگاری»^۳ که امروزه از آن به نام «مردم نگاری خودزندگی نامه ای»^۴ نام می برند.

این نوع مطالعات در زمینه آموزش و پرورش ایران تاکنون کمتر مورد توجه بوده است.^۵ از اینرو، مقالات موجود در این کتاب به رغم محدودیت ها و

^۱ نگارنده در فصل هفتم کتاب زیر طی مقاله ای با عنوان «پیوندها و گسست های مطالعات فرهنگی و انسان شناسی» به بررسی روابط میان این دو شاخه علمی در سال های اخیر پرداخته ام و نشان داده ام این دو دارای مشترکات زیادی از لحاظ روش و پهنش هستند.

فاضلی، محبت الله، ۱۳۸۸، انسان شناسی مدرن در ایران معاصر: تاریخچه، تحولات و مسائل، تهران: نسل آفتاب.

^۲ lived experience

^۳ autoethnography

^۴ autobiographical ethnography

^۵ هر چند همانطور که در فصل نخست توضیح داده ام این مطالعات اکنون در ایران در حال توسعه می باشند و در سال های اخیر دانشجویان رشته های مرتبط با آموزش در مقطع تحصیلات تکمیلی گرایش بیشتری به رویکرد فرهنگی به آموزش دارند.

کاستی‌هایی که دارند، از جمله گام‌های نخست محسوب می‌شوند. نگارنده در فصل نخست به نحو مبسوط چشم‌انداز فرهنگی به آموزش و پرورش را توضیح داده‌ام و برخی مطالعات انجام شده در این زمینه در ایران را معرفی کرده‌ام. از اینرو ضرورت ندارد تا این بحث را در اینجا تشریح کنم. در فصل دوم کتاب حاضر به بررسی مناسبات قدرت و آموزش و پرورش در ایران به نحو اجمال پرداخته‌ام. این فصل به نوعی چشم‌انداز مطالعات فرهنگی به آموزش را تکمیل می‌کند؛ زیرا در مطالعات فرهنگی مناسبات قدرت و فرهنگ در کانون این رشته قرار دارد. سومین فصل کتاب حاضر بحثی درباره وضعیت کنون مدرسه در ایران و روند تحولات آن در آینده است. این بحث تلاشی است برای فهم مدرسه در پرتو فرایندهای عمومی تحول فرهنگ در جهان امروز. فرایندهای مانند رسانه‌ای شدن و جهانی شدن که تمامیت زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. فصل چهارم یک بررسی نظری درباره چگونگی و معنای معلم و معلمی در ایران معاصر می‌باشد. این بحث با مرور تاریخی روند شکل‌گیری نهاد معلمی در چارچوب نظام آموزش و پرورش نوین، به چالش‌های نهاد معلمی و فرصت‌ها و امکان‌های آن در آینده می‌پردازد. فصول پنجم و ششم این کتاب به بررسی ابعاد و چالش‌های فرهنگی کاربرد و گسترش رایانه و اینترنت در آموزش و پرورش ایران است. فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ها مهمترین مولفه‌های دنیا‌فرانوگرای امروزی را تشکیل می‌دهند. این فناوری‌ها در تمام ارکان زندگی انسان امروز از جمله آموزش وارد شده‌اند. ورود این فناوری‌ها به آموزش دارای پیامدها و در عین حال با موانعی مواجه است. در دو فصل پنجم و ششم ابعاد و موانع مذکور را توضیح داده‌ام. فصل هفتم کتاب به موضوع نقش مدرسه در انتقال و آموزش فرهنگ مدرن در روستاهای ایران تعلق دارد که تاکنون در ایران کسی درباره آن گزارش یا

تحقیقی منتشر نکرده است. این گزارش مردم نگارانه بر پایه تجربه های زیسته نگارنده در دوران دانش آموزی ام در روستای زادگاهم می باشد.

اکنون مختصری هم درباره مخاطبان ممکن یا محتمل کتاب توضیح می دهم. این کتاب برای گروه های وسیعی از افراد ممکن است مفید و الهام بخش ایده های تازه باشد. شاید بیش از همه محققان و نویسندگان مباحث آموزش و پرورش بتوانند از مباحث این کتاب بهره ببرند. سعی نگارنده این بوده است تا از بیان تکرار مباحثی که دیگران به انحاء مختلف گفته یا نوشته اند، پرهیز کنم. از اینرو، امیدوارم کتاب حاضر بتواند نگاه متفاوتی به برخی ابعاد آموزش و پرورش در ایران ارائه کند. معلمان و دانش آموزان کنجکاو و علاقه مند به شناخت مباحث مربوط به مدرسه نیز ممکن است این کتاب را جالب و مفید بیابند. سعی داشته ام فصل مربوط به خاطرات دوران دانش آموزی ام را به گونه ای بنویسم که خوانندگان را به نوشتن و تحلیل خاطرات خود از مدرسه ترغیب نماید. امیدوارم سیاستگزاران و برنامه ریزان آموزش و پرورش نیز مباحث مربوط به چالش های فساوا و ابعاد فرهنگی کاربرد رایانه را مفید بیابند. زیرا این مباحث ممکن است چشم انداز متفاوتی از این موضوعات در آموزش و پرورش ارائه می کنند.

این نکته را هم اضافه کنم که مایل بودم فصل آخر کتاب حاضر، یعنی تجارب دانش آموزی ام از مدرسه روستایی را ابتدای کتاب قرار می دادم. زیرا این فصل کتاب خوش خوان تر و جذاب تر است. اما منطق نظری مباحث ایجاب می کرد که از بحث رویکردم به آموزش و پرورش شروع کنم؛ و بعد فصل ها را بر همین اساس تنظیم کردم. اما توصیه می کنم اگر مایل به خواندن بحث های نظری نیستید، از خواندن فصل آخر کتاب شروع کنید.